

معرفی يك كتاب مهم خطی و شرح حال مؤلف آن

یکی از بهترین و مهمترین کتب تاریخ کتاب (ریاض الجنه) است که در اواخر قرن دوازده هجری تألیف شده چون این کتاب (۱) خطی است و تاکنون چاپ نشده و شاید نسخه منحصر بفرد باشد لازم دیدم شرح این کتاب را بامشخصات آن و تاریخچه زندگانی مؤلف که از شعرا و دانشمندان قرن دوازده هجری بوده است بنظر قارئین محترم برسانم این کتاب دارای یکهزار و صد و چهل صفحه بقطع بزرگ است و هر صفحه آن در حدود پنجاه سطر است بعضی از صفحات از پنجاه نیز دو سه سطر بیشتر و بعضی ها دو سه سطر کمتر است غیر از حواشی که اغلب حواشی کتاب نیز پر از مطالب است من به این بزرگی و قطوری کمتر کتاب دیده‌ام ابعاد این کتاب بدین قرار است طول آن چهل و یک سانتیمتر و عرض بیست و هفت و ضخامت آن ده سانتیمتر است در کاغذهای ترمه آهاری شده که بعضی صفحات آن مایل برنگ آبی است باخط بسیار ریز نوشته شده خط آن در بعضی قسمتها نستعلیق و بعضی قسمتها بخط نسخ نوشته شده خطوط تمامی کتاب یکنواخت نیست معلوم میشود چندین کاتب در نوشتن آن شرکت کرده‌اند تاریخ تحریر آن که از روی نسخه اصلی بخط مؤلف استنساخ شده سنه ۱۲۰۰ هجری نوشته شده لیکن تعجب در اینجا است که تاریخ وقایع چند سال بعد هم در این کتاب هست مثلاً تاریخ وفات حسینقلی خان دنبلی حکمران خوی در سال ۱۲۱۳ و قتل غارت شهر خوی از طرف قشون قاجار در سال ۱۲۱۴ نیز در این کتاب نوشته شده معلوم میشود تاریخ اتمام و تکمیل کتاب ده پانزده سال بعد از سال ۱۲۰۰ میباشد اگر این کتاب چاپ بشود قطعاً گنجایش بیشتر از چهل جلد معمولی را دارد که هشت روزه است و هر روزه پنج جلد میشود با این گرانی کاغذ و خرج هنگفت مطبعه چاپ آن مشکل بنظر میرسد و آرزویی بیش نیست از مزایای این کتاب یکی اینست که مؤلف آن تاریخ را بچند طبقه تقسیم و آنرا در هشت روزه مفصل قرار داده و کلیه آنها را (ریاض الجنه) نام نهاده است روضه اول در ذکر حالات حضرت رسول اکرم و ائمه هدی سلام الله علیهم با ذکر فتوحات اسلام و غزوات پیغمبر اکرم مفصلاً از صفحه اول تا صفحه ۲۳۸ شرح داده است روضه دوم

(۱) يك نسخه بسیار نفیس ازین کتاب در کتابخانه اخوی مکرم حاج محمد آقا

نخبجوانی هست

در ذکر نفوس خبیثه مانند شیطان و نحو آن از صفحه ۲۳۹ تا صفحه ۳۳۰ ذکر نموده روضه سوم در ایجاد عالم و عموم موجودات و ذکر اقالیم و بلاد و غرائب بلدان و جبال و انهار از صفحه ۳۳۱ تا صفحه ۵۲۲ قلمفرسایی کرده روضه چهارم در ذکر حالات علما و مورخین و عرفا و حکمای ایران و یونان از صفحه ۵۲۵ تا صفحه ۷۴۲ سخنرانی کرده روضه پنجم در ذکر حالات شعرای عرب و عجم این روضه را بدو قسم منقسم نموده قسمت اول در ذکر شعرای عرب و قسمت دوم در ذکر شعرای عجم از صفحه ۷۴۵ تا صفحه ۹۵۶ با بعضی از اشعار آنها مفصلاً برشته تحریر در آورده که این قسمت تذکره مفصلی است از شعرای عرب و عجم روضه ششم تاریخ سلاطین ایران است که آنرا نیز دو قسمت نموده قسمت اول سلاطین ایران قبل از اسلام و قسمت دوم سلاطین بعد از اسلام از صفحه ۹۵۹ تا صفحه ۱۰۵۱ ذکر نموده روضه هفتم در ذکر حالات امرای و وزرا و کتاب از صفحه ۱۰۵۵ تا صفحه ۱۰۸۷ شرح داده روضه هشتم در ذکر بعضی از حکایات و اتفاقات مهم و مطایبات و نوادر عالم در هر فن و هر مقوله از صفحه ۱۰۸۹ تا صفحه ۱۱۴۰ نوشته الحق مؤلف مرحوم زحمت بسیار کشیده در عصری که فاقد مدرسه و دانشگاه بوده و بکتابخانه‌ها و منابع تاریخ دسترسی نبوده بکنفر دهاتی زنوزی اینهمه علوم و تواریخ را از چه منابع بدست آورده حیرت آور است و میتوان گفت که مولف این کتاب چندین هزار جلد کتاب دیده و مطالعه کرده شب‌های زیاد بیخواب و استراحت مانده تا چنین تألیف مهمی را انجام داده بدیهی است در اثر جودت ذهن و ذوق سرشاری که بمطالعه کتب و تواریخ داشته این تألیف را کرده و بما یادگار گذاشته است و میتوان گفت نتیجه يك عمر مؤلف است و بر ما لازم است از زحمات طاقت فرسای این قبیل مورخین و مؤلفین که نتیجه زحمات يك عمر ایشان است قدردانی نموده و بانظر تکریم و احترام بایشان بنگریم نام مؤلف میرزا محمد حسن زنوزی (۱) متخلص بفانی است و نام پدرش حاج میر عبدالرسول حسینی زنوزی متخلص (۲) بفنا است این پدر و پسر هر دو از دانشمندان و شعرای قرن دوازده هجری بودند پدرش درخوی ساکن بود بجهت ناامنی و قشون کشی‌های اجانب در آنسنوات ازخوی مهاجرت کرده باپسرش محمد حسن که آنوقت ایام کودکی او

(۱) - زنوز قصبه ایست بزرگ در نواحی مرند مابین خوی و دزماز از حیث آب و هوا و کثرت باغات و اشجار و اثمار مشهور و معروفست در این قصبه بنا بنگارش مؤلف بیشتر از هزار قنات بیباغات جاری میشود

(۲) - نسخه خطی نفیسی از کلیات اشعار میر عبدالرسول فنا در کتابخانه دانشمند محترم آقای میرزا جعفر سلطان القرائی هست

بود به قصبه زنوز وطن اصلی خودشان آمده و ساکن شده‌اند قصبه زنوز محل سکناى آباء و اجداد مؤلف است خانواده مؤلف ابا عنجد از سلسله علما و فقها بودند بنابینگارش مؤلف اهالی این قصبه در شجاعت و رشادت معروف است در سالهای ۱۱۳۵ و ۱۱۳۶ در فتنه افغانه که از هر طرف قشون خارجی از زمین و بسار به آذربایجان تجاوز کرده بودند اهالی این قصبه بارشادت و شجاعت مدت زیادی مقاومت کرده و چندی جاو متجاوزین را گرفته دلیرانه با آنها جنگ کردند و جد مؤلف در آن غائله شهید شد تولد میرزا محمد حسن مؤلف کتاب در سال یکهزار و صد و هفتاد دو هجری در ماه صفر اتفاق افتاده تحصیلات ابتدائی را در قصبه زنوز از ملای قصبه انجام داده و در دوازده سالگی پدرش او را برای تکمیل تحصیلات به تبریز آورده و در نزد میرزا محمد شفیع دهخوارقانی مدت چهار پنجسال به تحصیلات خود ادامه داده پس از آن در هیجده سالگی مجدداً بخوی مراجعت کرده بقیه تحصیلات خود را از علوم دینی و فقه و تاریخ و ادبیات از ملا عبدالنبی طسوجی یاد گرفته در اکثر علوم ادبیه و ریاضیه و حساب و غیره حظ کامل حاصل نموده و در سنه ۱۱۹۵ در بیست سه سالگی عازم عتبات عالیات شده در کربلا بمعلی نیز چهار سال از علما و فضلاء آنجا آقا محمد باقر بهبهانی و عمده العلماء میرزا مهدی شهرستانی و امثال آنها تکمیل تحصیل علوم عقلیه و نقلیه نموده بعد از چهار سال اقامت در عتبات مجدداً بشهر خوی مراجعت کرده و در ضمن این مسافرت‌ها یادداشتهای خود را جمع و مشغول تالیف این کتاب (ریاض الجنه) شده است و این کتاب را در اواخر قرن دوازده هجری با تمام رسانیده مؤلف مرحوم غیر از کتاب ریاض الجنه کتاب دیگری نیز تألیف کرده در دو جلد موسوم است به (بحر العلوم) (۱) این کتاب را بیک سفینه و هفت شعبه و یک ساحل ترتیب داده واقعاً بحری است بر از لالی آبدار و دریایی است مملو از لطایف و ظرایف در علوم متفرقه ادبیات و تاریخ و حکایات و امثال و وقایع مهمه قلمفرسائی کرده این کتاب نیز مثل ریاض الجنه بسیار مهم است این کتاب را بنام حسینقلی خان دنبلی نوشته و هنوز چاپ نشده بالجمله مؤلف در سال ۱۲۰۳ به مشهد مقدس روانه شده تاریخ مسافرت مشهد را بعضی از نکته‌سنجان آنعصر چنین گفته‌اند (بایوان سلیمان یافت ره مور) بعد از دو سال اقامت در مشهد از آنجا

۱۳۰۳

باصفهان رهسپار شده پس از چندی از اصفهان به زنوز مراجعت کرده و تا آخر عمر در قصبه زنوز بود که در سال ۱۲۱۸ در سن چهل و شش سالگی برحمت ایزدی پیوسته و در قصبه مزبور در مقبره مخصوص به خانواده خودشان مدفون گشته تاریخ وفات او را بعضی از فضلا چنین گفته‌اند (فانی بوصول دوست پیوست)

۱۳۱۸

چند سطری برای نمونه انشاء کتاب ریاض الجنه از نظر قارئین محترم میگذرانیم در تاریخ بنای مسجد جامع خوی از طرف حسینقلی خان دنبلی و واقعه قتل غارت خوی از

طرف عباس میرزا قاجار چنین گفته (و دیگر از نتایج همت آسمان فرسای آنخسرو با فرهنگ رای بنای فسیح الارکان و منبع البنیان مسجد جامع و مدرسه ایست که درین سنوات در محروسه خوی متصل بهم احداث فرمودند و عملاً بمضمون آیه شریفه (انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر) یرلیغ بلیغ بمعهد معماران خورنق رونق و سمنار کار و مهندسان بطلمیوس شعور اقلیدس شعار اصدار و مشارالیهم در مدت قلیلی اساس عرش کریاس آنرا برافراشتند با تمام نرسیده بود که از ناسازگاری بخت و اقبال حسینقلی خان دنبلی در عاشر رمضان ثلث عشر و ماتین بعدالالف برحمت ایزدی پیوست و برادر کامکارش نواب جعفر قلیخان دنبلی در جای او متمکن و حکمران گردید و از جهات چند از دولت قاجار روگردان بود و متجاوز از بیست هزار خانوار از معتبرین شهر و نواحی کوچانیده بسمت روم روانه کرد بقیه مردم تشویش برداشته هر یک با عیال و اطفال خود بسمتی گریزان شدند و در خلال این احوال از دربار پادشاهی شاهزاده و الاتبار عباس میرزا و سردار کثیرالاقتماد سلیمان خان قاجار بالشکر فراوان به تنبیه و تادیب سرکشان معین و در جلکای سلماست تلاقی فتنین واقع جعفر قلیخان دنبلی شکست فاحش یافته فراری و شاهزاده متعاقب او بخوی وارد و در ظاهر قلم عفو بر تقصیرات اهل قلمه کشید نهایت در معنی آنچه لازمه نهب و خرابی بود بمعمل آورد و قریب سه هزار نفر از آرامنه و مسلمین اسیر شدند این واقعه در شهر سنه هزار و دوست و چهارده هجری اتفاق افتاد و مولانا محمد صادق منجم در تاریخ این واقعه اینمصرع را گفته (بشهر خوی مسلط گشت چون قاجار پس ناچار) (نوشتم سال تاریخش مسلط کشتن قاجار) و چون بر خرابی منازل آن بلده خلد مشاکل زمین و زمان درینج و تاسف

۱۲۱۴

میخوردند از اتفاقات غریبه لفظ (درینج) نیز موافق آنسال اندوه مآل گردید و در اطراف و اکناف هر جا که سکنه و ولایت خوی دیدند در ضرب و نهب و تعذیب او کوتاهی نکردند و منتهای خرابی رویداد مؤلف طبع عالی در شعر دارد قصیده و غزل بسیاری از خود در این کتاب نگاشته برای نمونه یک غزل و چند بیت از قصیده که در مرثیه و تاریخ وفات استاد خود ملا عبدالنبی طسوجی (۱) گفته نوشته میشود متاسفانه کلیات دیوانش بنظر نرسیده

غزل

عبث زبنده خود جان من رمیدن چیست	زمن رمیده بغیر من آرمیدن چیست
زدور دیدن وره کج نمودن از من زار	بسوی مدعیان رفتن و دویدن چیست
بمکر مدعیان اینقدر بید نامی	بدهر پیرهن ننگ خود دریدن چیست

(۱) ملا عبدالنبی طسوجی بن شرف الدین محمد الشریف الطسوجی از علما و فضلاء قرن دوازده هجری است نادره دوران و اعجوبه زمان بود در سال ۱۱۱۷ متولد و در سال ۱۲۰۳ برحمت ایزدی نایل شده

فغان و ناله ما را ز ظلم نشیندن
مگر بدل دگر امید روی او داری
هزار حرف بد مدعی شنیدن چیست
عبث بسینه دلا اینقدر طپیدن چیست
از قصیده مرثیه و تاریخ وفات ملا عبدالنبی طسوجی

چرا ز نو نکشم ناله هر دمی ز نهاد
چه داغ نو که دو صد داغ تازه کرد بدید
بدل نه داغ نوم چرخ به نهاد نهاد
مگر ز سنگ بود یا ز آهن و فولاد
کدام دل متحمل شود به این اندوه

غرض که کرد از این عاریت سرای سپنج
فتاد رخنه بارکان دین ز حد افزون
چو آن مشید دین رو بسوی سبع شداد
رسید ثلمه بشرع مبین ز حصر زیاد
بکوش دل پی تاریخ اورسید سروش
زهاتفی که (عجب ثلمها بدین افتاد)

۱۳۰۳

در صفحه آخر کتاب در توصیف کتاب خود این اشعار عربی را نوشته است

هنا کتاب للبدايع جامع
هنا کتاب تشهيه الانفس
هنا کتاب لوبياع بوزنه
فی کل سطر منه علم لامع
ونوادر وزواجر و نصایح
و مسائل حکمیة و فوائد

هنا کتاب للافاضل نافع
وطبایع و مسامع و مدامع
در ابکی اسفاً علیه البایع
کالبد من افق السعادة طالع
ومواعظ منها العیون دوامع
علمیة مثل الشمس سواطمع

